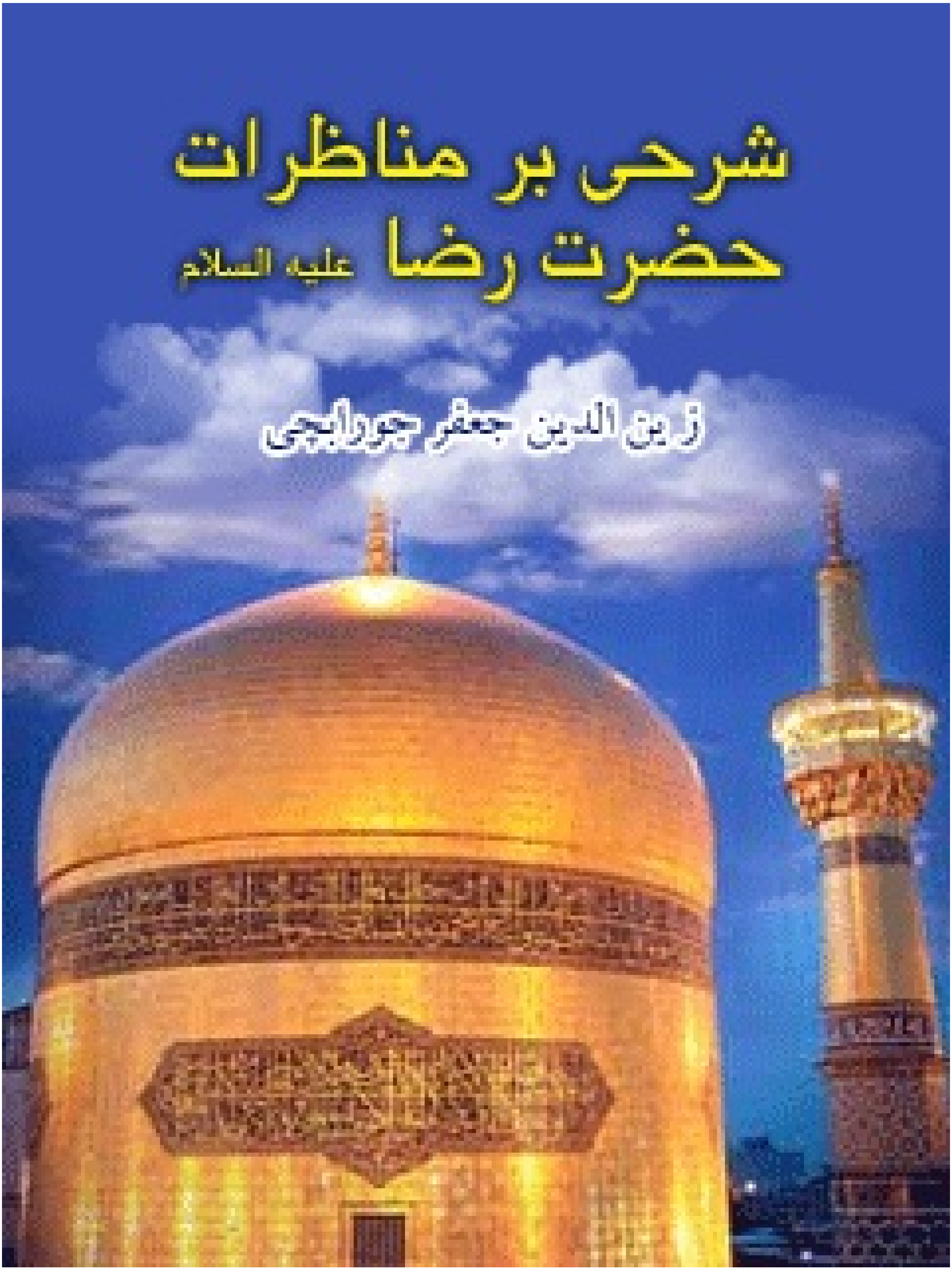

شرحی بر مناظرات
حضرت رضا علیه السلام
زین الدین جعفر جورابچی

بسم الله الرحمن الرحیم

شرحی بر مناظرات حضرت رضا (علیه السلام)

نویسنده:

زین الدین جعفر جواربچی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شرحی بر مناظرات حضرت رضا علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شرحی بر مناظرات حضرت رضا علیه السلام، زین الدین جعفر جواربچی

بر گرفته از نامه آستان قدس

مشخصات نشر: [بی جا]: [بی نا]، انتشارات، ۱۳XX

مشخصات ظاهری: ۹۶ص.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۶۹۲۸

مناظرات حضرت رضا علیه السلام (۱)

مدتی است که مدیر مجله از این حقیر خواسته اند شرحی بر مناظرات حضرت رضا علیه آلاف التحیه و الثناء بنگارم، از خدای تعالی استمداد نمودم و بحمدالله توفیق رفیقم گردید که از خود یادگاری در این گنجینه پرارزش بگذارم، لذا تا آن جا که امکان توان است بیانات معجز نمای حضرت را طی مناظرات اعجاب انگیز آن جناب ایراد شده در این مبارک صحیفه انعکاس می دهم، پیش از ورود به مطلب چند مسئله را به عنوان مقدمه مورد بحث و بررسی قرار می دهیم:

۱ - سبب تشریف فرمائی حضرت رضا علیه السلام به مرو و پذیرفتن ولایت عهدی مأمون و شرکت در مناظرات.

۲ - آیا در دین اسلام برای جدل و مناظره دستوری رسیده و پسندیده است یا خیر؟

۳ - تعریف فن مناظره و شناختن موضوع مسئله دلیل وضع در استدلال.

۴ - مبادی مناظره و انواع مقدمات و منع در مناظره.

۵ - نام اصطلاحی مجادلان، و وظیفه هر یک از سائل و مجیب در مناظره.

۶ - بیان برخی از مواضع جدلی و نتیجه و فایده مناظره.

یک: احمد بن یعقوب (ابن واضح اخباری متوفای ۲۹۲) در تاریخ یعقوبی طبع نجف جلد سوم ص ۱۷۶ گوید:

مامون حضرت رضا (ع) را به وسیله رجاء بن ضحاک که از خویشاوندان فضل بن سهل (ذو الریاستین) بود از مدینه به مرو احضار نمود و همین که خبر ورود حضرت به مرو رسید،

مردم مسرور و شادمان گردیدند و به استقبال مبادرت جستند حتی شخص مامون به استقبال شتافت، و آنچه لازمه تجلیل و احترام بود به جا آورد و وسائل پذیرائی و آسایش آن حضرت را فراهم ساخت، و در روز دوشنبه هفتم ماه رمضان سال ۲۰۱ هجری به ولیعهدی خویش با حضرت بیعت نمود، و دستور داد آن حضرت را با تجلیل و دعا خطباء در منابر یاد کنند و بر درهم و دینار به نامش سکه زنند و مردم لباس سیاه را به لباس سبز تبدیل نمایند، و قضایا را به اطراف و اکناف نویسند.

ابوجعفر محمد بن حریر متوفای ۳۱۰ ه. در تاریخ طبری جلد هفتم ص ۱۳۹ گوید: مامون تمام عباسیان و علویان را مورد تفتیش و تامل قرار داد، هیچ کس را از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) افضل و اعلم و اورع نیافت، لذا وی را در روز سه شنبه سوم رمضان سال ۲۰۱ هجری ولیعهد خویش خواند، و او را رضا لقب داد، و فرمان داد مردم لباس سیاه را ترک گفته، و لباس سبز بپوشند، و با حضرتش بیعت کنند.

مامون همیشه حضرت را گرامی می داشت، و در ظاهر او هیچ گونه لوازمی جهت تجلیل و تکریم آن بزرگوار نمی کرد، و مکرر مجلسی مرکب از علماء و دانشمندان هر فرقه و گروهی، به همراهی اُمراء لشکری و کشوری تشکیل می داد، و حضرت را جهت مناظره با ایشان در آن مجلس دعوت می نمود و می گفت: برای اینکه مردم حضرتش را بشناسند این گونه مجالسی را تهیه می نمایم، ولی شاید قصد آزمایش یا تحقیر حضرت، و یا استفاده از مباحث علمی را داشته

است.

چنانچه خواهد آمد حضرت خواه و ناخواه در آن مجلس شرکت نموده و با ارباب ملل مختلف مناظره و محاضره می فرمود، و آنان را مغلوب و منکوب می کرد.

دوم: در تفسیر حضرت عسکری علیه السلام مسطور است: روزی نزد حضرت صادق علیه السلام بحث از جدال به میان آمد، بعضی گفتند حضرت رسول و ائمه اطهار از جدال نهی فرموده اند.

حضرت صادق فرمود: جدال بغیر احسن (به روش نا زیبا) ممنوع شناخته شده است مگر فرمان حق تعالی را نشنیده اید که در کتابش فرمود:

وَ لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْکِتابِ إِلاَّ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ

(با اهل کتاب مناظره نکنید مگر به روش زیبا) و نیز فرموده است:

ادْعُ إِلی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ

(مردم را بخوان به سوی راه عبادت پروردگارت به زبان حکمت و استدلال، و موعظه پسندیده،

مناظره و جدل به روش نیکو را پیشوایان مربوط و مقرون به دین دانسته اند، ولی جدل به روش نا زیبا را خدای تعالی بر شیعیان ما حرام فرموده است. و چگونه می شود تمام اصناف جدل را خداوند حرام فرماید با آنکه در کتاب مجید جدل را مطالبه می فرماید:

قالُوا لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلَّا مَنْ کانَ هُوداً أَوْ نَصاری تِلْکَ أَمانِیُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ

گفتند یابن رسول الله جدال به روش نیکو کدام و جدل ناپسند کدام است؟

حضرت فرمود: جدل ناپسند آن است که با طرفدار باطل مجادله نمائی و او مطلب باطلی را اظهار کند، و تو آن مطلب را به دلیل درستی نقض و منع ننمائی بلکه گفتار وی یا یک مقدمه درست او را انکار کنی بواسطه اینکه مبادا

مغلوب گردی، این نوع مجادله بر شیعیان ما حرام است، زیرا این عمل موجب تجری طرفداران باطل شده بلکه تو نیز مانند وی طرفدار باطل می باشی چون او یک حق را انکار کرده و تو حق دیگر را نپذیرفته و نیز سبب حیرت و سرگردانی ضعفاء شیعه خواهد شد، چون بسیاری از قضایای مشهور ظاهری، یا مسلمات شخصیه بر خلاف واقع می باشد، چنان که گویند:

رُبَّ شهره لَا أَصْلَ لَهَا.

و اما جدل به روش نیکو و پسندیده آن است که خدای تعالی به پیغمبرش دستور داد به آن روش با منکرین بعث و انگیزش پس از مرگ (معاد) جدال نماید، چنان که در کتاب کریم حکایت می فرماید:

وَ ضَرَبَ لَنا مَثَلًا وَ نَسِیَ خَلْقَهُ قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمِیم قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ هُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیم الَّذِی جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ ناراً فَإِذا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ .

منکران معاد (بعث انگیزش پس از مرگ برای دریافت پاداش و کیفر) سه گروه اند.

۱ – کسانی که زنده شدن پس از مرگ را استبعاد نموده گویند: استخوان پوسیده نرم شده چگونه زنده می شود؟

حق تعالی در جواب می فرماید: آن را زنده می کند کسی که اول مرتبه نه از چیزی آنها را آفریده است.

۲ – کسانی که می گویند: اجزاء بدن را انسان یا ماکول درندگان و یا خاک عمارات و بیابان می شود پس چگونه آن اجزاء شناخته شده و گردآوری و ترکیب می گردد؟

خدای تعالی در پاسخ می فرماید: آفریدگار به هر چیزی عالم و آگاه است و تمام ذرات را می شناسد پس می تواند آنها را گرد آورده و ترکیب نماید.

۳ – کسانی که گویند: انسان

پس از مرگ جماد است و چگونه از جماد حیوان پدید آمده یا جماد حیوان می گردد؟

پروردگار عزیز می فرماید: کردگار کسی است که از درخت سبز آتش سوزان بیرون می آورد، پس از جماد حیوان برآوردن برای وی آسان است (يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ).

سه: تعریف جدل (مناظره) صناعتی است علمی که انسان بوسیله آن نیرومند می شود برای غلبه بر خصم از قضایای مشهوره و مسلمه دلیل بیاورد، به طوری که نقض و منعی متوجه آن نشود.

این فن را روش سقراطی (طوبیقا) آداب الجدل، آداب المحاضره، خلاف، احتیاج و دیالیکتیک نامند.

موضوع مناظره: هر مسئله ای که مورد جدل واقع شود موضوع آن را موضوع مناظره خوانند مانند عالم هنگامی که از قدم و حدوث آن گفتگو کنند.

مسئله مناظره: هر قضیه ای که سائل عین آن یا مقابلش را با حرف استفهام سئوال نماید آن را به این اعتبار مسئله جدلی، و پس از تسلیم مجیب به اعتبار این که جزء قیاس است مقدمه جدلی، و از جهت اینکه نتیجه استدلال است وضع در مناظره گویند.

وضع در مناظره عبارتست از رای و اعتقادی که طرفین به آن ملتزم باشند، و آن در نتیجه جدل یافت می شود. دلیل در لغت به معنای مرشد و راهنما و در اصطلاح چیزی را گویند که از علم به آن علم به چیز دیگری که آن را مدلول خوانند حاصل گردد، و اماره در لغت علامت و نشانه را گویند، و در اصطلاح دلیل ظنی را چه در ذهن پدید آید و چه در خارج اماره نامند، چون مقدماتی که در استدلال بکار برده می شود.

چهار: مبادی مناظره – مبادی جمع مبدء

به معنای مقدمه است، و از چند جهت مورد تقسیم واقع می شود.

تقسیم اول مقدمه از جهت اینکه مقوم و جزء مطلوب باشد یا نه بر دو گونه است:

الف مقدمه داخلی که آن را جزء رکن (شطر) گویند، مانند اجزاء نسبت به معجون.

ب مقدمه خارجی و آن

دارای هشت بخش می باشد:

۱ – علت ناقصه، مانند سبب، مقتضی برای وجود معلول، چون آتش برای گرم شدن.

۲ – عدم المانع، مانند بسته بودن در و پنجره اطاق برای گرم شدن آن.

۳ – آلت، مانند وجود قلم و مرکب برای نویسندگی.

۴ – معاون مانند بکار بردن وسیله میکانیکی در روشن کردن اتومبیل ها که احتیاج به آن دارد.

۵ – داعی مانند قصد مسافرت در روشن کردن اتومبیل.

۶ – معد مانند ترتیب دادن مقدماتی برای دریافتن نتیجه.

۷ – شرط مانند ساختن دارو و معجون به شرط چینی بودن ظرف آن.

۸ – وقت مانند فصل بهار برای رویانیدن گیاه.

۹ – وجود موضوع مانند وجود خانه برای نقاشی و رنگ آمیزی.

۱۰ – قابلیت تأثیر داشتن موضوع مانند نرم بودن زمین برای زراعت.

تقسیم دوم: مبادی از حیث اختصاص و اشتراک بر دو گونه است.

الف: مبادی عامه، مانند حیوان و جسمیت نسبت به انسان.

ب – مبادی خاصه از جهت دارا بودن حکم و عدم آن بر دو بخش است:

الف: مبادی تصوریه، مانند: جسم جوهری است که ممکن است در آن ابعاد سه گانه را فرض نمود.

ب: مبادی، تصدیقیه، مانند: جسم دارای ابعاد است و هر چه دارای ابعاد باشد متغییر است.

تقسیم چهارم: مقدمه از حیث پذیرفتن و انکار شوندگان بر سه نوع است:

الف: آن که نزد همه مردم انکار و یا پذیرش آن مورد قبول باشد،

و آن را علوم متعارفی گویند.

ب – آن که شنونده به واسطه اینکه در جائی درستی آن ثابت شده آنها را می پذیرد، و اصول موضوعی خوانده می شوند.

ج – آن که شنونده آن را با انکار و عناد می شنود، و آن را مصادره بر مطلوب نامند.

تقسیم پنجم: مقدمه از جهت واقع شدن در صناعات خمس دارای ضعف می باشد.

۱ – یقینیات قضایائی هستند که احتمال خلاف ندارد و در برهان بکار برده می شود.

۲ – مشهورات قضایائی را گویند که در میان مردم شهرت بسزائی داشته باشند و آن خود بر سه گونه است:

مشهور حقیقی که در مناظره و مشهور ظاهری که در خطابه و شبیه به مشهور که در مغالطه بکار برده می شود:

۳ – مسلمات قضایائی را خوانند که در صناعت جدل و مناظره بکار می شوند و آن نیز بر سه گونه می باشد:

مسلمات عامه، مسلمات خاصه، (اهل اصطلاح یا شهری) مسلمات شخصیه.

۴ – ظنیات قضایائی را نامند که دارای تصدیق راجح غیر جز می باشد و در خطابه واقع می گردند

۵ – مقبولات قضایائی می باشند که از پیشوایان دین یا اکابر علمی رسیده باشند و در خطابه بکار برده می شود.

۶ – تقریرات قضایائی هستند که دارای حکم راجح و پذیرفته می باشند و در خطابه استعمال می شود.

۷ – محاکمات قضایائی را گویند که چیزی را ساده یا با توصیف به زشتی یا زیبائی بیان کند و آنها در شعر بکار برده می شود.

۸ – تحییلات قضایائی را نامند که چون گفته شود در نفس تأثیر شگفت آوری چون به خود فرورفتن یا به خود جنبیدن داشته باشد و شنونده را به چیزی رغبت داده یا از چیزی متنفر سازد و در

شعر استعمال می شود.

۹ – و همیات قضایائی را دانند که حقیقت و واقعیتی ندارند ولی نفس آنها را با حقیقت می پندارد چنان که حکم مادیات را بر مجردات حمل می نمایند، و در صناعت مغالطه بکار برده می شود.

۱۰ – مشبهات قضایائی را خوانند که به قضای یقینی یا مشهودی شباهت داشته، ولی باطل و ناروا باشند و در مغالطه استعمال می شود منع در مناظره عبارتست از جلوگیری کردن از مقدمه دلیل طرف مقابل و آن بر پنج گونه است:

۱ – منع مجرد (نقض) عبارتست از نپذیرفتن مقدمه خصم با دلیل آوردن بر رد آن.

۲ – منع با سند (مناقضه) عبارتست از نپذیرفتن مقدمه خصم با دلیل آوردن بر رد آن.

۳ – منع با تعرض (غضب) عبارتست از نپذیرفتن مقدمه ورد نمودن اصل دلیل.

این سه بخش منع پیش از تمام شدن دلیل طرف مقابل آورده می شود.

۴ – منع انکار (نقض اجمالی) عبارتست از نپذیرفتن حکم به این روش که سائل بگوید: این حکم بی دلیل است.

۵ – منع با دلیل (معارضه) نقض تفصیلی آنست که سائل دلیل طرف را بپذیرد ولی دلیل دیگری که با دلیل مجیب منافات داشته باشد بیاورد تا عقیدت وی را باطل کند.

تبصره: در مناظره روایت است که خصم را منع کنند از دلیل آوردن، بلکه تنها مقدمات دلیل وی را می توان ابطال نمود و چنانکه کسی اصل دلیل طرف را منع کند مکابره نامیده می شود.

پنج: همیشه جدل و مناظره میان دو نفر یا بیشتر یافت می شود که یکی از آن دو می خواهد رای خود را حفظ و اثبات کند، و دیگری می خواهد عقیدت (وضع – رای) وی را ابطال، و او را الزام

نماید، در این فن شخص اول را مجیب، و شخص دوم را سائل نامند.

وظائف سائل: شخص سائل که می خواهد رای و عقیدت مجیب را ابطال نماید باید چهار امر را رعایت کند:

۱ - انتخاب موضعی از مواضع جدلی تا مقدمه دلیل خود را از آن تحصیل نماید.

۲ - یافتن روش اثبات مقدمه و سرزنش نمودن منکر آن را.

۳ - تصریح کردن به مطلوب و نقض نمودن آن چنان که با مخاطبی سخن گوید:

۴ - بر سائل ورزیده لازم است که پرسش و دلیل وی از مقدمات مشهوری که همه کس آن را بپذیرد درک شود.

وظائف مجیب: شخص مجیب که می خواهد رای و عقیدت خود را حفظ کند، و بر دشمن چیره گردد، و یا برای تعلیم و تمرین سخنان جدلی را بکار می برد، باید سه چیز را رعایت کند.

۱ - هر گاه وی از مشهورات باشد، نباید مقدمات مشهوره سائل را منع کند چه در مقام الزام باشد یا در مقام رفع و منع دلیل مجیب.

۲ - چنانچه عقیده اش با مشهور باشد، نباید مقدمات مشهوره سائل را منع نماید، مانند اینکه بگوید: خیر و شر و علم و جهل را متقابلان نمی دانم.

۳ - اگر عقیده مجیب نه مشهور باشد و نه ناپسند، باید مقدمات مشهوره و ناپسند سائل را بپذیرد تا از مشهورات قیاسی بر رد او ترکیب کند و به واسطه مقدمات ناپسند وی را الزام نماید.

وظایف مشترک بین سائل و مجیب: کسی که می خواهد در صناعت مناظره نیرومند گردد باید پس از تحصیل ادوات جدلی، در استنباط قیاسات بسیار از یک قیاس کوشش نماید، و نیز باید بتواند برای یک مطلوب از چند

موضوع جهات بسیار بیاورد، و باید سائل هر چه بتواند حکم را کلی و عمومی تر بیان کند.

ولی مجیب در تخصیص و جزئی بودن آن حکم باید کوشش داشته باشد تا اگر یکی از احکام مردود گردید بتواند به دیگری تمسک جوید، مقاومت و معارضه وظیفه مجیب است، و نقض و منع و مطالبه وظیفه سائل می باشد.

شش: موضع در مناظره حکمی منفردی را گویند که ممکن باشد احکام بسیاری از آن منشعب گردد و هر یک از آن احکام شایسته باشد مقدمه قیاس جدلی واقع شوند، چنان که گوئی: هر گاه یکی از دو حکمی که ضد یکدیگرند، در موضوعی یافت شود، موضوع دیگری در ضد آن موضوع موجود خواهد بود، مثل احسان با دوستان و اسائت با دشمنان چون بنای قیاس جدلی بر پرسش و نقض می باشد پس بر دانشمندان جدلی لازم است که اصناف مواضع را بشناسند، تا در هنگام لزوم از جزئیات آنها استفاده نماید، ما اصناف مواضع را در رساله فن مناظره مفصلا در ضمن هشت باب نگاشته ایم، و اکنون فهرست آن را از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم:

۱ - مواضع اثبات و ابطال، و آن خودداری بیست فصل می باشد.

۲ - مواضع اولی و اثر و بخشهای مشهور آن بیست و دو فصل می باشد.

۳ - مواضع جنس و انواع آن دارای چهار فصل است.

۴ - مواضع فصل و اقسام آن و ما چهار فصل آن را نوشته ایم.

۵ - مواضع حدود اسمی و حقیقی و آن دارای شش فصل می باشد.

۶ - مواضع اعراض عامه.

۷ - مواضع خاصه و ما بیست و چهار فصل آن را بیان کرده ایم.

۸ - مواضع هوهو (حمل و

انواع آن) و دارای چهار فصل است.

فائده (نتیجه - غرض) مناظره جدل را برای پنج منظور بکار می برند.

۱ - الزام و افهام دشمن به این روش که عقیدت وی را بپرسند و بعد از آنها قیاس یا استقراء یا تمثیلی ترکیب کنند، تا بتوانند عقیدت خصم را ابطال کرده و او را مغلوب نمایند.

۲ - اقناع کسی که در اثر کند فهمی به برهان قانع نمی شود، ولی قضایای مشهوره و مسلمه را می پذیرد.

۳ - به واسطه ممارست در این فن انسان می تواند هر مطلوبی را اثبات یا ابطال نماید.

۴ - چون شناسائی هر چیزی با مشارکت و اضداد آن موجب زیادی بصیرت می گردد، پس تمرین در ماده و صورت قیاس های جدلی برای برهان نیز نافع می باشد.

۵ - موضوع فن مناظره قضایای مشهوره و مسلمه را، چه علمی باشند یا غیر علمی به شما می شناساند.

مناظرات حضرت رضا علیه السلام (۲)

شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق در کتاب توحید و عیون اخبار الرضا، و شیخ ابو منصور احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی در کتاب احتجاج، و شیخ الاسلام محمد باقر بن محمد تقی مجلسی در کتاب احتجاج بحارالانوار با چهار واسطه روایت کنند، از حسن بن محمد نوفلی هاشمی که گوید: هنگامی که حضرت رضا علیه السلام نزد مأمون عباسی رسید وی فضل بن سهل را دستور داد که اصحاب مقالات، و ارباب ملل مختلفه را احضار نماید، فضل (ذو الریاستین) پیشوایان فرق مختلف مانند جاثلیق نصرانی، راس الجالوت یهودی، روسای صائبان (ستاره پرستان) هربذ مجوسی بزرگ پیروان زردشت، نسطاس رومی، متکلمان اسلامی را فراهم آورد و اجتماع ایشان را به مأمون آگهی داد.

مأمون ایشان را

اجازه ورود داد، و آنان را در کنار خویش نشاند، و مقدم آنها را گرامی شمرد گفت: شما را برای کار بزرگ خوبی گرد آورده ام، می خواهم با پسر عموی من که از مدینه آمده است مناظره کنید، فردا صبح نزد من آئید، و هیچ یک از شما تخلف ننماید، گفتند: اطاعت و فرمانبرداری می شود، فردا صبح اول وقت حاضر می گردیم، انشاءالله.

حسن بن محمد نوفلی گوید: خدمت حضرت رضا بودم که یاسر مهماندار حضرت وارد شده گفت: آقا، مأمون سلام رسانیده می گوید برادرت قربانت شود، اصحاب مقالات و اهل ادیان، و متکلمان از هر فرقه ای حاضر شده اند، چه رأی می دهید برای فردا صبح اگر مایل باشید گفتگو کنید و چنان چه نخواهید تکلم کنید به خود زحمت ندهید، و اگر خواسته باشید خدمت شما بیائیم بر ما آسان است. حضرت فرمود: مأمون را سلام برسان و بگو آنچه را خواسته اید، دانستم، من فردا صبح انشاء الله تعالی نزد شما می آیم.

نوفلی گوید، چون یاسر مهماندار رفت حضرت به من توجه نموده فرمود نوفلی، تو عراقی هستی و قلب عراقی صاف است، در فراهم آوردن پسر عموی تو اهل شرک و اصحاب مقالات را بر من چه به نظرت می رسد؟

نوفلی گوید: گفتم قربانت گردم خلیفه می خواهد شما را آزمایش کند و مقدار علمی شما را بشناسد، ولی بر پایه و اساسی سست و نا استوار عمارت ساخته، و همانا به خدا قسم بد بنائی گذارده است.

حضرت فرمود: مگر در این باره چه بنائی نهاده است؟

نوفلی گفت: متکلمان و اهل بدعت برخلاف علما و دانشمندان می باشند چون عالم و دانشمند انکار نکند مگر باطل و نادرست را، ولی

اصحاب مقالات و متکلمان و اهل شرک مطالب حقه و گفتار درست را نیز انکار می نمایند و به مغالطه و سفسطه سخن می رانند، زیرا هنگام مناظره با ایشان چنان چه گوئی، خدا یکی است می گوید دلیل بر یکتائی او چیست؟ و چنان چه گوئی محمد رسول خداست، گویند: نبوت وی را اثبات نما، پس از آن به بهتان زدن و مغالطه کردن، و باطل نمودن ادله طرف آغاز می کنند، تا انسان از گفتار خویش صرفنظر کند، فدایت شوم از مناظره با ایشان دوری نما.

نوفلی می گوید: حضرت تبسم نموده فرمود: آیا می ترسی که ایشان دلیل من را رد نموده و برهانم را باطل کنند؟ گفتم نه به خدا قسم بر شما ترسان نیستم، و امیدوارم خدای تعالی شما را یاری نموده و بر ایشان پیروز گرداند.

حضرت فرمود: آیا می خواهی بدانی چه وقت مأمون پشیمان می گردد؟

هنگامی که مأمون بشنود مناظره کردن و احتجاج من را با اهل تورات به تورات شان، و با اهل انجیل به انجیل شان و با اهل زبور به زبور آنها و با صابئیان به عبرانیت آنها و با هرابذه به فارسی و با اهل روم به اصطلاح خودشان و با اصحاب مقالات به لغات ایشان.

و هرگاه ببیند که هر گروهی گفتار خود را ترک نموده و به بطلان دلیل خویش اعتراف کرده، و به گفتار من گرویده اند آنگاه شایستگی مرا خواهد دانست، و از کرده خود نادم و پشیمان خواهد گردید، و هیچ کس قدرت و توانائی ندارد مگر به یاری و نیروی خداوند بزرگ توانا.

صبحگاهان فضل بن سهل خدمت حضرت شرفیاب گردید گفت فدایت شوم پسر عموی شما انتظار حضرتعالی

را دارد، مردم گرد آمده اند چه رأی می دهید برای آمدن؟

حضرت فرمود: تو پیش از من برو، انشاء الله من هم نزد شما می آیم، پس وضو ساخت و شربت سویق میل فرمود، و از آن به ما هم لطف فرمود، پس از خانه بیرون شد، و ما نیز همراه حضرت بودیم تا به دربار مأمون وارد شدیم، مجلسی دیدیم آراسته و از حضار آکنده و پیراسته، محمد بن جعفر و گروهی از اولاد ابوطالب (علویان) و بنی هاشم و سران لشگر حاضر بودند، چون حضرت وارد گردید مأمون و محمد بن جعفر بن علی بن ابیطالب و همه بنی هاشم برخاستند، و ایستاده بودند تا حضرت و مأمون نشستند، و حضرت اذن نشستن داد آنگاه حاضرین نشستند، ساعتی مامون با حضرت به سخن گفتن پرداخت پس از آن روی به جاثلیق نموده گفت جاثلیق این شخص پسر عموی من علی بن موسی بن جعفر (ع) و از فرزندان فاطمه (ع) دختر پیغمبر ما و پسر عموی علی بن ابیطالب است می خواهم با وی گفتگو و مناظره نمائی، و سخنان وی را انصاف دهی.

جاثلیق گفت: با امیرالمؤمنین چگونه مناظره و محاضره کنم با مردی که مناظره او با من از کتابی است که من آن را نمی پذیرم و از پیغمبری است که من هنوز به وی نگرویده ام.

حضرت فرمود: ای نصرانی اگر من مناظره کنم با تو و از انجیل دلیل بیاورم آیا به آن اقرار و اعتراف می نمائی و انصاف خواهی داد؟

جاثلیق گفت: مگر من قادرم که سخنان انجیل را نپذیرم؟ بلی به خدا قسم به سخنان انجیل اقرار و اعتراف می نمایم، اگر چه بر ضرر من تمام شود.

حضرت

فرمود، هر چه خواهی بپرس و پاسخ آن را نیکو دریاب.

جاثلیق گفت: چه می گوئی درباره نبوت عیسی و کتاب وی آیا هیچ یک را انکار می نمائی؟

حضرت فرمود: من اقرار دارم به نبوت عیسی و کتاب وی و آنچه بدان امتش را بشارت و مژده داده، و یارانش به آن اعتراف نموده اند، و روی گردانم از هر عیسائی که به نبوت محمد بن عبدالله و به کتاب وی اقرار نکرده، و پیروانش را به آمدن او بشارت نداده باشد.

جاثلیق گفت: مگر احکام به گواهی دو شاهد عادل ثابت و استوار نمی شود؟

حضرت فرمود: بلی به گواهی دو شاهد عادل احکام ثابت می شود.

جاثلیق گفت دو شاهد معرفی کنید بر نبوت محمد بن عبدالله که از اهل ملت شما نباشد و نصارا اند و نفر را به عدالت و صداقت بپذیرد، و شما نیز راجع به حضرت عیسی مانند این را از ما و از غیر ملت ما خواستار شوید، تا برای شما معرفی نمایم.

حضرت فرمود: اکنون از در انصاف درآمدی ای نصرانی، چگونه نمی پذیری از من گواهی شاهد عادلی را که نزد عیسی مقامی داشت و در دوران زندگانی عیسی نزد وی به سر می برد؟ جاثلیق گفت: آن عادل کیست و چه نام داشت؟ حضرت فرمود: چه می گوئی در شأن یوحنای دیلمی، و درستی سخنان وی؟ جاثلیق گفت به به بسیار خوب مبارک است نام محبوبترین افراد مردم را در نزد عیسی بیان نمودی.

حضرت فرمود تو را به خدا قسم می دهم آیا در انجیل نیامده است که یوحنا گفت حضرت مسیح من را، به دین محمد عربی خبر و بشارت داده که آن دین پس از مسیح خواهد

آمد و من پیروان و حواریان حضرتش را به این خبر مژده داده ام، و ایشان به وی ایمان آورده اند؟

جاثلیق گفت، چرا این خبر و بشارت را در انجیل یوحنا از حضرت مسیح نقل نموده و مژده داده به نبوت مردی و خاندان وی، و سخنانی نیز راجع به وی و جانشین او دارد ولی نام آن گروه را مشخص نکرده و زمان ایشان را بیان ننموده، تا ما آنها را بشناسیم.

حضرت فرمود، اگر کسی را معرفی کنیم که انجیل را بداند و از آن نام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان حضرتش را بر تو بخواند اعتقاد و ایمان می آوری؟

جاثلیق گفت آری به وی میگروم و به گفتارش اذعان می نمایم.

حضرت رضا علیه السلام به نسطاس رومی که در مجلس حاضر بود توجه نموده و فرمود، آیا سفر سوم انجیل را خوانده ای و حفظ داری؟ نسطاس گفت: من سفر سوم انجیل را حفظ نکرده ام.

حضرت به سوی راس الجالوت توجه نموده فرمود: آیا تو هم انجیل را نخوانده ای؟ راس الجالوت گفت چرا به جان خودم قسم که انجیل را خوانده ام.

حضرت فرمود: پس سفر سوم انجیل را بگیر تا بر تو بخوانم، و اگر در آن نام پیغمبر ما محمد بن عبدالله و خاندان حضرتش و امت وی بود، پس گواهی نما، وگر نه گواهی مکن، آنگاه حضرت همان قسمت انجیل را خواند، تا این که به نام پیغمبر رسید و در آنجا مکث و درنگ نمود، سپس به جاثلیق توجه کرده فرمود: تو را به حق عیسی و مادرش مریم قسم می دهم، آیا من عالم به انجیل هستم و آن را می دانم؟

جاثلیق

گفت: آری.

حضرت قسمت دیگری از انجیل را که نام محمد (ص) و اهل بیت و امت آن حضرت را دربر داشت تلاوت نموده پس از آن فرمود چه می گوئی ای نصرانی درباره اینها که گفته ی عیسی بن مریم است؟ چه اگر گفته ی انجیل را انکار کنی پس نبوت موسی و عیسی (ع) را انکار نموده ای و هر گاه اینها را انکار نمائی کافر شده ای و کشتن تو لازم خواهد بود؟ زیرا به خدای تعالی و پیغمبران او و کتاب دینی خود کافر گشته ای و انکار نموده ای.

جاثلیق گفت هیچ گاه انکار نمی کنم آنچه در نظرم آشکار باشد که در انجیل و سایر کتب آسمانی ذکر شده بلکه به آنها اقرار و اعتراف می نمایم.

پرسش: آیا نبوت عیسی و کتاب وی را اقرار یا انکار می نمائی؟

پاسخ: هرگاه عیسی در کتاب خود یارانش را به نبوت پیغمبر اکرم بشارت داده باشد، نبوت و کتاب و بشارت وی را اقرار و اعتراف می نمائیم، ولی آن حضرت یارانش را به نبوت پیغمبر اکرم بشارت داده و ایشان به وی اعتراف نموده اند، پس ما به نبوت و کتاب عیسی اقرار و اعتراف می نمائیم.

این مناظره از قیاس استثنائی اتصالی، میزان تلازم یا طلب نمودن حکم از مقابل آن تشکیل یافته است.

پرسش: آیا در هر حکمی به گواهی دو عادل نزاع کوتاه نمی شود؟

پاسخ: چرا، آیا یوحنای دیلمی در انجیل نمی گوید، همانا مسیح ما را به دین محمد عربی بشارت داد و من آن بشارت را به یاران و پیروان حضرتش رسانیدم، و هر خبر و بشارتی را که یوحنای دیلمی از طرف عیسی آورده باشد نزد نصارا پذیرفته است، پس بشارت به دین محمد

عربی نزد نصارا پذیرفته می باشد.

(از قیاس اقترانی حملی شکل اول - میزان تعادل اکبر، طلب نمودن حکم به استقراء فراهم گردیده است).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹